

«... إِلَهِي وَ أَلْهَمْنِي وَ لَهَا بِذِكْرِكَ إِلِي ذِكْرِكَ...»

«... معبود من! شیدایی و شیفتگی به ذکرت را الهام فرما...»

### • شیدایی حاصل از ذکر خداوند

ذکر چیست؟ از درد درمان بردن است	بر در دل نقب بر جان برون است
راهرو را سالک ره فکر اوست	فکرتی کان مستفاد از ذکر اوست
ذکر باید گفت تا ذکر آورد	صد هزاران معنی بکر آورد

عطار

آنان که از دلهره ها و اضطراب ها در رنجند و در سر سودای قلبی مطمئن و آرام و دلی فارغ از هر گونه دغدغه می پرورند، بدانند که با دستیابی به هیچکدام از نعمت ها و ثروت های مادی و دنیوی، مقصودشان حاصل نخواهد شد. بلکه راهی که قرآن کریم برای راه یابی به این آرزوی دیرینه آدمیان فرا راهشان قرار داده است، چیزی جز یاد و ذکر پروردگار جهان نمی باشد، چنانچه می فرماید:

« الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آنان که ایمان آورده اند دل

هایشان به یاد خدا آرامش می یابد، آگاه باشید که دل ها تنها به ذکر یاد خدا آرامش می یابد.» (رعد، آیه ۲۸)

دم بخور در آب ذکر و صبر کن      تا رهی از فکر و وسواس کُهن

هیچ گنجی بی دد و بی دام نیست  
جز به خلوتگاه حق آرام نیست

ذکر حق کن بانگ غولان را بسوز  
چشم نرگس را از این کرکس بدوز

مولانا

از «ذکر خدا» و ثمرات بی شمار آن در آیات و اخبار و کلمات بزرگان، فراوان سخن گفته شده است که در اینجا تنها به نقل روایتی و سخنی از مولانا و در پایان نیز به حکایتی اکتفا می کنیم: امام صادق علیه السلام می فرماید: هیچ چیز نیست جز آنکه برای آن، حدی و اندازه ای است، مگر ذکر که حدی ندارد تا پایان پذیرد، خدای عزوجل فرایض را واجب کرده است و هرکه آنها را به جای آورد، همان حد و انتهای آنهاست. و ماه رمضان را قرارداده است، پس هر کس که آن را روزه دارد، همان حد آن است. و حج را واجب نموده است و هر که حج نمود، به انتهای آن رسید و آن را به پایان رساند. ولی برای ذکر، خداوند حد و نهایتی قرار نداده است و به اندک آن راضی نشده است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ای آنان که ایمان آوردید خدای را بسیار یاد کنید و تسبیحش بگویید، در بامدادان و شامگاهان. (احزاب، آیه ۴۱ و ۴۲)

و ادامه داد: در هر خانه ای که قرآن خوانده شود و ذکر خدای عزوجل شود، برکت آن خانه زیاد گردد و فرشتگان در آن خانه آیند و شیاطین از آن دوری کنند و برای اهل آسمان بدرخشند، چنانچه ستاره فروزان برای اهل زمین می درخشند، ولی خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و خدا در آن خانه ذکر نشود برکتش کم شود و فرشتگان از آن دوری کنند و شیاطین در آنجا درآیند، و به تحقیق رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا شما را آگاه نکنم به بهترین کارهایتان که درجات از همه کارها بالاتر و نزد خداوند از همه اعمال پاک تر و پاکیزه تر است و برای شما از طلا و نقره بهتر است و از جهاد در راه خدا خوب تر است؟ عرض کردند: بله یا رسول الله! فرمودند: آن عمل بسیار ذکر خدا کردن است. (اصول کافی، ج ۴، صص ۲۵۷-۲۵۹)

بیا با یاد او می باش دمساز      بیا خود را برای او بپرداز  
گرت حفظ ادب باشد مع الله      شوی از سر سر خویش آگاه  
بر آن می باش تا با او زنی دم      چه می گویی سخن از بیش و از کم  
برون آ یکسر از وسواس و پندار      که تا بینی حقیقت را پدیدار

حسن حسن زاده آملی

در حالات عالم بزرگ، شیخ عبدالله شوشتری که از معاصرین مرحوم علامه مجلسی است، نوشته اند او فرزندی داشت که بسیار مورد علاقه اش بود. این فرزند، سخت بیمار شد. پدرش مرحوم شوشتری، هنگامی که برای ادای نماز جمعه به مسجد آمد، پریشان بود، هنگامی که در نماز جمعه در رکعت دوم سوره منافقون را تلاوت کرد و به این آیه رسید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال و فرزندان شما نباید شما را از یاد خدا غافل کند. » (منافقون، آیه ۹)

چندین بار این آیه را تکرار نمود. هنگامی که از نماز فراغت حاصل نمود، بعضی از دوستان، از علت این تکرار پرسیدند. فرمود: هنگامی که به این آیه رسیدم به یاد فرزندم افتادم و با تکرار آن به مبارزه با نفس خود برخاستم و چنان فرض نمودم که فرزندم مرده و جنازه اش در مقابل من است، و من نباید از یاد خدا غافل شوم، و بعد از استقرار یاد خدا در قلب، از تکرار آیه دست کشیدم. (سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۳۱)

همچو چهی ست هجر او، چون رسنی ست ذکر او      در تک چاه یوسفی دست زنان در آن رسن (طناب)

مولانا

باری، آنچه در عبارت مزبور از مناجات، معصوم علیه السلام توفیق آن را از پروردگارش مسئلت می نماید، تنها یاد و ذکر خداوند نمی باشد، بلکه آن یاد و ذکر را می طلبد که شیدایی و شیفتگی او را سبب شود و این شیدایی به زبانی ساده یعنی آن یادی که آدمی را چنان در لذت غرق نماید که او را از خود بی خود نماید: یعنی خدایا، آن ذکر را عطایم کن که یاد مرا از من بستاند و سینه را مملو از یاد تو گرداند.

چنان پر شد فضای سینه از دوست      که یاد خویش گم شد از ضمیرم

حافظ

سخن آخر

برخی در چگونگی ذکر، به راه افراط و تفریط قدم گذاشتند. توضیح آنکه گروهی به ذکر زبانی و اذکار لفظی اکتفا نموده و تمنا نمودند که آنچه از برکات بی شماری که درباره ذکر نقل شده است، تنها با ادای ذکر زبانی نصیب خود سازند، گرچه قلبشان از معانی این اذکار و از توجه به آن، کاملاً غافل بوده باشد. گروهی هم در مقابل، بی اعتنا به آن همه اذکار گوناگونی که به همراه نتایج قابل توجه آنها، در آیات و روایات آمده است، تنها یاد و ذکر قلبی را مد نظر خویش قرار داده و تمام همت خویش را در این امر معطوف ساختند. اما انصاف این است که هر کدام، رتبه و جایگاه خاص خویش را داشته و هر یک ثمره ای مخصوص به خویش را دارا می باشند، گرچه تأثیر ذکر قلبی و خواص آن، بسی فراوان تر و عالی تر از ذکر زبانی است. و اصولاً آن ذکر زبانی، کاملاً به بار می نشیند و نتیجه ای ایده آل به بار می آورد که با یاد قلبی و حضور قلب همراه باشد.

شیخ عباس قمی به نقل از محقق کاشانی در این زمینه چنین می گوید: اگر گفته شود که آیا در ذکر زبانی تنها، به همراه غافل بودن قلب فایده ای وجود دارد یا خیر؟ پس می گوییم: ذکر زبانی نیز خالی از فایده نمی باشد، از این جهت که آن نیز نوعی اشتغال به طاعت الهی است. به ابی عثمان مغربی گفته شد که: گاهی از

اوقات، زبانم به ذکر خداوند و تلاوت قرآن، مشغول می شود اما قلب من غافل است، چه کنم؟ پس گفت: همین اندازه نیز، نیاز به شکر دارد و خدا را شاکر باش که یکی از اعضا و جوارح تو به امر خیر که ذکر خدا باشد اشتغال

دارد. (۱۵۹)

خوشا آنان که الله یارشان بی      به حمد و قل هو الله کارشان بی

خوشا آنان که دائم در نمازند      بهشت جاودان بازارشان بی

باباطاهر